

# در جست و جوی روشی نو در علوم اجتماعی

(روش شناسی علوم اجتماعی در قرآن)

فاطمه ماهی حسن آبادی<sup>۱</sup>، معصومه جدید<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> فاطمه ماهی حسن آبادی، علوم تربیتی (آموزش دبستانی و پیش دبستانی)، دانشگاه فرهنگیان شهید هاشمی نژاد، مشهد ،

Fatemehmahi68@gmail.com

<sup>۲</sup> معصومه جدید، علوم تربیتی (آموزش پیش دبستانی و دبستانی)، دانشگاه فرهنگیان شهید هاشمی نژاد ، مشهد

Atefeh72@mihanmail.ir

## چکیده

یکی از محورهای بنیادین در علوم اجتماعی، روش‌شناسی است. بهره‌گیری از این علوم، متضمن بهره‌گیری از روش‌های موجود در آنهاست. روش‌شناسی حاکم بر علوم اجتماعی بیشتر روش‌های غربی است که هر یک از آنها با یکدیگر در تعارض هستند و هر کدام در پی اثبات روش خود ورد روش دیگری است. با توجه به ارائه روش‌شناسی‌های مختلف در علوم اجتماعی ما نیز برآن شدیم تا روش‌شناسی از دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار دهیم. قرآن با ارائه نوعی مبانی توحیدی، نگرشی نو به انسان ارائه می‌دهد. همچنین قرآن نه تنها روش‌های موجود را رد نمی‌کند بلکه به در کنار هم بودن آنها تأکید می‌کند. قرآن واجد بسیاری از قابلیت‌هاست که روش‌شناسی غربی از آن بی‌بهره است. این مقاله، با رویکردی تحلیلی، به بررسی نقش قرآن در تکوین روش‌شناسی دینی و قابلیت‌های موجود در قرآن در عرصه روش‌شناسی علوم اجتماعی می‌پردازد.

## کلمات کلیدی

روش‌شناسی علوم اجتماعی، پوزیتیویسم، تفهّم، رئالیسم انتقادی، حس، عقل، وحی.

از تاسیس جامعه شناسی قرآنی طرفداری کرده اند فویا مصلح الدین که کتابی با عنوان «جامعه شناسی اسلام: مطالعه تطبیقی اسلام و نظام های اجتماعی» نوشت. انجمن عالمان اجتماعی مسلمانان و سازمان بین المللی اندیشه اسلامی در سال ۱۹۸۴ به کوشش هایی در این زمینه دست باز زدند. که موسسات این انجمن ها جزوه ها و مقالاتی بر محور عوامل متعدد جامعه شناسی اسلامی منتشر کردند. فلنامه با عنوان «مجله آمریکایی علوم اجتماعی اسلامی» که به طور تخصصی در این باره کار میکرد و در سال ۱۹۸۵ با یونس و احمد کتابی با عنوان «جامعه شناسی اسلامی، یک مقدمه» به طبع رساند. (ترابی، ۱۳۷۶)

تلاش در این زمینه سابقه بیشتری دارد از جمله اندیشمندانی که در این زمینه تلاش های کرده اند عبارتند از: سید جمال الدین حسین ی، آیت الله طالقانی، شهید مطهری، محمد اقبال لاهوری و... را نام برد.

با توجه به همه این ها در میابیم که کلیه روش های غربی، به واسطه افکار ماتریالیستی خویش در تقابل کامل با دیدگاه قرآن که عالم هستی را شامل دو بعد مادی و غیر مادی می داند، واقع می شوند. پس ضروری است تا با بازنگری در روش شناسی اجتماعی اسلامی قرآن را به عنوان کتاب هدایت بشری که خالق انسان آن را فرستاده، ریلرآن را به عنوان کامل ترین منبع شناخت در زمینه علوم اجتماعی شناخت.

## ۲- طرح مسئله

یکی از مباحث بسیار اساسی و مهم در عرصه علوم انسانی و اجتماعی، مسئله بازنگری و تولید در این علوم است. این مسئله، به عنوان یکی از اولویت های مدنظر در سند چشم انداز بیست ساله کشور است که مقام معظم رهبری آن را طرح ریزی کرده و به عنوان سیاست های کلان پیش روی نهادهای علمی قرار داده اند. تحول علوم انسانی و اجتماعی از ابتدای انقلاب اسلامی تا به حال، مورد تأکید فراوان قرار داشته و دارد. در نسبت دادن هر مقوله دینی به دین باید دقت شود که در مورد چه چیزهایی پسوند دینی بیاوریم در واقع باید تشخیص داد روش و متودولوژی معتبر کدام است؟ منابع علم کدام است؟ آیا عقل تنها معتبر است یا تنها عقل تجربی؟ و یا تجربه گرایی محض و افراطی؟ این علوم بایستی با مبانی اعتقادی و پیش فرض های فلسفی ما همخوانی داشته باشند. بنابراین ما در این مقاله سعی بر آن داریم تا با معرفی دیدگاه های موجود در غرب و مقایسه آن با دیدگاه اسلامی مشخص کنیم که چرا دیدگاه اسلام که کامل ترین دین است همانند سایر دیدگاه های غربی نظر خودش را مطرح نکند؟ مگر غیر از این است که هر کدام از این دیدگاه ها تنها از دیدگاه خود به علوم اجتماعی مینگرند و نظر خود را بیان میکنند و هر کدام از آنها دیدگاه های دیگری را رد میکنند، پس آیا قرآن که برنامه جامع زندگی انسان است و از طرف آفریننده او که شناخت کامل به انسان و جهان و

این نوشتار روش شناسی علوم اجتماعی بر اساس دیدگاه قرآن را بیان می کند. روش و روش شناسی یکی از ابعاد مهم در معرفت شناسی علوم اجتماعی میباشد. می دانیم که هر یک از علوم اجتماعی و انسانی در مسیر معرفت خود روش شناسی ویژه ای را انتخاب میکنند پس می توان گفت که روش شناسی غربی و روش ناسی اسلامی هر کدام ویژگی خاص خود را دارند. از آنجا که به روش شناسی اسلامی و قرآنی در برابر روش شناسی غربی کم تر توجه شده است و با توجه به اینکه در ایران که یکی از مهم ترین کشورهای اسلامی است از روش شناسی های غربی استفاده می شود بر آن شدیم تا با استفاده از روش کتابخانه ای و مطالعه کتاب ها و مقالات مرتبط در این باره به بازنگری دوباره به روش شناسی اسلامی در علوم اجتماعی و تحلیل روش شناسی های موجود غربی و تعریف کاملی از روش شناسی اسلامی بیان کنیم که روش شناسی اسلامی در علوم اجتماعی که خداوند در قرآن دین اسلام را کامل ترین دین معرفی میکند بهترین روش شناسی در علوم اجتماعی است. در این باره ابتدا به دیدگاه کسانی که در این موضوع با ما هم عقیده اند میپردازیم.

در اندیشه اجتماعی قرآن ابزارهای معرفتی حس، عقل، وحی در کنار یک دیگر و با همراهی در مسیر شناخت اجتماعی به کار می روند. این د رحالی است که در علم اجتماعی مدرن رویکردهای روش شناسی اجتماعی در تقابل با یک دیگر قرار میگردند و هر کدام به مرجعیت یکی از ابزار های معرفتی حس یا عقل تأکید دارند. اسلام به دنبال نوعی هماهنگی در عقل و وحی است. (امین پور، ۱۳۸۹)

در اسلام سراسر تشویق به دانش و تجربه است آنچه ما ز قرآن میگیریم، جهان بینی اصول روش و اندیشه در جامعه شناسی و شناخت انسان از دیدگاه قرآن است، قرآن نه تنها جلوی اندیشه و تلاش ما را نمیگیرد بلکه به آن جهت داده و در عین حال که درباره حفظ، ثبات، تداوم، فساد، تحولات و اصلاح و... جامعه بیان شده است. (ترابی، ۱۳۷۶)

اندیشه اجتماعی اسلامی از مرحله گرایش اخلاقی و اصول کلی به مرحله نظریه پردازی هماهنگ در باب تفکر اجتماعی وارد شده که این امر همواره با تفسیر جامع قرآن کریم که متضمن ارتباطی دوسویه و متقابل با واقعیت است. مفسرانی هم چون محمد باقر صدر با توجه به دغدغه های امت اسلامی و یافته های بشری به قرآن کریم توجه نمودند. (عبدالاولی، اسفندیاری، ۱۳۸۲)

از دیگر افرادی که در این زمینه تلاش هایی را انجام داده اند میتوان به دکتر علی شریعتی که برای اولین بار اصطلاح جامعه شناسی اسلامی را مورد استفاده قرار داد، بشارت علی و کارل ماهایم که

ویژگی های آن دو دارد، برای انسان که موجودی اجتماعی است در رابطه با علوم اجتماعی هیچ دیدگاه و هیچ روش و روش شناسی را معرفی نمیکنند؟

### ۳- تعریف روش و روش شناسی:

مراد از روش یا متود علمی یافتن راهی برای کشف حقیقت و یا اثبات آن است، روش شناسی یا متودولوژی نیز دانشی است که از روش های پژوهش و اثبات حقیقت در علوم گوناگون بحث میکند. (رضا قلی، ۱۳۹۳:ص ۹۶)

روش در علم پژوهش به معنای کلیه ابزارها و مراحل جمع آوری نظام مند اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آن ها برای نیل به یک هدف معین است و روش شناسی ملاک های ارزیابی فرآیند صحت و سقم آن را به دست می دهد. هم چنین به نقل از چالمرز «تکوین هیچ دانشی بدون روش میسر نیست، اعتبار دستاورد های هر دانش نیز به اعتبار روش یا روش های به کار گرفته در آن بستگی دارد شیوه هایی که به مدد آن ها می توانیم درباره جهان به کامیابی نظریه سازی کنیم امری است که باید آن را کشف کنیم نه اینکه آن ها را از پیش با براهین فلسفی تعیین کنیم.» (عیوضی، محمدی: ۱۳۹۰:ص ۱۷۰)

با توجه به تعاریف فوق میتوان گفت: روش پیدا کردن راهی است برای رسیدن و کشف ابزارها و روش شناسی عبارت است از ارزیابی این ابزارها برای بکارگیری و استفاده آن در علوم مختلف از جمله علوم اجتماعی. بنابراین روش شناسی علوم اجتماعی ارزیابی روش ها و ابزارها در شناخت یک جامعه است تا بدین وسیله بتوان بهترین راه را برای شناخت جامعه و هدایت آن برای رسیدن به عالی ترین جامعه را کشف کرد

### ۴- روش شناسی های موجود در علوم

#### اجتماعی

در طول تاریخ پیدایش علوم اجتماعی دانشمندان از روش های گوناگونی برای بررسی پدیده های اجتماعی بهره گرفته اند هر یک از روش ها از حیث روش شناسی، دارای مبانی معرفتی و زمینه های غیر معرفتی متفاوتی است که در تکوین آن روش نقش بسزایی داشته است

روش های گوناگون علمی در علوم اجتماعی تحت تأثیر مبانی فلسفی روش شناسی قرار دارد. در واقع علم چیزی نیست که روش شناس آن را بدون پیشینه و زمینه معرفتی انتخاب کند. مبانی فلسفی، همانطور که در تکوین نظریه های علوم اجتماعی و انسانی دخیل اند.

روش شناسی در علوم انسانی، در اثر نگرش به انسان شناسی شکل میگیرد. و انسان شناسی هر مکتب نیز تحت تاثیر هستی شناسی و معرفت شناسی آن مکتب است. هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی همگی مسائلی هستند که اساس روش شناسی را شکل میدهند. (امین پور، ۱۳۸۹:ص ۴۸)

بنابر این سه حوزه معرفتی (انسان شناسی هستی شناسی و معرفت شناسی) و با مطالعه تاریخی اندیشه ها و فلسفه ا در این باره میتوان گفت: در دوره ای از تاریخ که تجربه گرایی بر فلسفه غرب حاکم بود، در علوم اجتماعی، بر برخی از روش ها مانند اثبات گرایی که روش شناسی مربوط به آن را میتوان روش شناسی پوزیتیویستی دانست، تاکید شده است با توجه به کاستی هایی که این روش داشت اعتبار آن در تحلیل مسائل اجتماعی مورد تردید قرار گرفت و روش های تفهیمی و انتقادی جایگزین آن شدند که به ترتیب روش شناسی تفهیمی و رئالیستی مربوط به این روش ها هستند. که به اختصار به توضیح هر یک میپردازیم. (جلال آبادی رواری، ۱۳۹۲:ص ۹۸)

#### ۴-۱- روش شناسی پوزیتیویسم

در قرن نوزدهم سن سیمون به منظور ساماندهی به حیات اجتماعی اصطلاح اجتماع فیزیکی را با مطالعه پدیده های اجتماعی و پس از آن کنت اطلاق اثبات گرایی را برای جنبش فلسفی در این قرن به کار برد. این کار رکنت مصادف با آغاز پوزیتیویسم و تولد جامعه شناسی اثباتی شد.

آن ها روش شناسی علوم را برگرفته از علوم طبیعی و تفاوت جامعه و طبیعت را در کمیت و درجه پیچیدگی میدانند نه در نوع. جوهر اثبات گرایی تاکید بر یگانگی روش اندیشه است نه نوع آن. وان یک روش، روش علوم طبیعی است پوزیتیویسم روشی است که با نگاهی محدود و جزئنگر به پدیده های اجتماعی مینگرد یعنی تنها امور حقیقی و پدیده های محسوس و مشهود را آن هم از طریق تجربه و مشاهده قابل شناخت می داند. از انحراف به سمت مطالب جانبی مصون بماند. همچنین سعی شود مطالب اصلی مقاله بصورت سلسله مراتبی و زنجیروار به هم مربوط باشند. (امین پور، ۱۳۸۹:ص ۵۰)

#### ۴-۲- روش شناسی تفهیمی

روش تفهیمی تحت تاثیر اصول ومبانی کاملاً متفاوت باروش شناسی تجربی، دوره زمانی خاصی را در جامعه شناسی به خود اختصاص داد. روش شناسی تفهیمی به تمایز علوم طبیعی و انسانی قایل است چرا که آفریننده پدیده های اجتماعی انسان است.

و هم به تجربه تاکید شده باشد و آن روش شناسی همان روش شناسی قرآن است که تعقلی تجربی است. (رضا قلی، ۱۳۹۳)

پس می توان گفت: از دیدگاه اسلامی همه معرفت ها معتبرند هر کدام در حد خود و همه با هم قابل جمع اند هر گزاره که عقلی باشد یا تجربی باشد به همان اندازه که برهان و تجربه از نظر معرفت شناسی اسلامی معتبر است به همان اندازه علمی است حتی اگر یک غیر مسلمان گفته باشد.

## ۶- روش شناسی علوم اجتماعی در قرآن

بر اساس مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی موجود در قرآن، نوعی روش شناسی بنیادین از قرآن قابل استخراج و استنباط است. روش شناسی بنیادین قرآنی، تحت تأثیر مبانی خاص و متفاوت خویش، اندیشه اجتماعی قرآن را از سایر اندیشه ها ممتاز و منحصر به فرد می گرداند. معرفت شناسی جامع و هماهنگ قرآنی، قابلیت های بسیاری را در زمینه روش شناختی به قرآن عرضه می کند. این قابلیت ها عبارتند از:

### ۱-۶- قابلیت های روش شناختی حس

روش شناسی اجتماعی در قرآن، ابتدا با تکیه بر ابزارهای حسی کار خویش را آغاز می کند. شناخت حسی، یکی از روش هایی است که راه آن بر همگان باز است و همه از این طریق می توانند به شناخت ابتدایی از عالم خارج دست پیدا کنند. بخش عمده آگاهی های ما از طریق شنیدن و دیدن حاصل می گردد. قرآن به دسته ای از این شناخت ها، به نام شناخت آیهای اشاره می کند و با کلماتی نظیر «ان فی ذلک لآیات» از آنها یاد می کند. توجه به آیات و نشانه های خداوند در هستی، ما را به سمت شناخت های عمیق تر راهنمایی می کند. قرآن گواهی می دهد که یکی از پایه های شناخت، ابزار حسی است که شناخت طبیعت و امور طبیعی بیشتر به واسطه آن درک می شود. قرآن شناخت طبیعت را از دو بُعد عرضی و طولی مورد توجه قرار می دهد. قرآن به بیان روابط عرضی در عالم طبیعت می پردازد:

اوست خدایی که از آسمان آب را فرو فرستاد، پس ما به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها را از زمین خارج کردیم و دانه هایی بر روی هم چیده را از گیاهان به عمل آوردیم و از شکوفه درخت خرما خوشه هایی به هم پیوسته و نیز باغ هایی شبیه هم و یا مختلف از انگور و زیتون و انار ایجاد کردیم. به میوه آن آن گاه که میوه می دهد و به رشد و رسیدن آن بنگرید، قطعاً در این همه برای مردمی که ایمان می آورند نشانه هایی است. (انعام: ۹۹)

بر خلاف علوم طبیعی که با پدیده های عینی سرو کار داریم در علوم اجتماعی با پدید های معنادار ذهنی مواجه هستیم علوم اجتماعی نیازمند تبیین و علوم طبیعی نیازمند تفهیم اند. تبیین به علل عام حوادث است اما تفهیم کشف معنای حوادث در زمینه اجتماعی خاص است. (لیتل، ۱۳۷۳: ص ۱۳۷)

## ۴-۳- روش شناسی رئالیسم انتقادی

این روش با تکیه بر روش تفهیمی و تجربی بر انتقاد تاکید میکند رئالیسم انتقادی به مفهوم سازی در علوم اجتماعی که قدری پیچیده تر از علوم طبیعی است توجه دارد. نگاه رئالیست ها نگاهی انتقادی به موضوعات است این نوع نگاه اولاً به دلیل آن ها به ضرورت و وجود نیروها و قابلیت های دورنی در اشیاء است. ثانیاً رئالیست ها بین نظریه و عمل رابطه قائلند و معتقدند که ما چون در زندگی روزمره به طور مداوم در حال اصلاح معرفت خود هستیم پس نگاه انتقادی داریم هدف رئالیسم نگاهی انتقادی به هستی و شرایط زندگی است و موضوع مرکزی آن انسان در امور روزمره است یعنی در کار و شرایط اجتماعی. (امین پور ۱۳۸: ص ۵۲)

## ۵- نقد روش شناسی های موجود

روش شناسی تفهیمی و و رئالیسم در تکمیل پوزیتویسم علاوه بر بعد بیرونی بر بعد درونی و ذهنی نیز تاکید میکنند با نگاه مادی خویش وضعی آشکارتر ارا رقم میزنند. کلیه روش های غربی با نگاه ماتریالیستی خود در تقابل کامل با دیدگاه قرآن که عالم هستی را شامل دو بعد مادی و معنوی میداند است. همچنین انسان شناسی غربی یک انسان شناسی اومانیمی است که اصالت و محوریت را به انسان میدهد. حال آنکه انسان شناسی قرآن خدامحور بوده و انسان را به عنوان عبد خدادرنظر گرفته است روش های پوزیتویسم و تجربه گرا به دلیل عدم توجه به ضرورت عالم هستی وجه انتقادی را از علوم انسانی میستانند حتی روش انتقادی نیز به دلیل محدود کردن خود در دایره محسوسات و تا حدی معقولات نمی توانند اوج بگیرد و عرصه وحی و شهود را به روی ما باز کند. (امین پور، همان، ص: ۵۴)

درواقع میتوان گفت که روش پوزیتویسم تنها بر تجربه و روش رئالیسم تنها بر عقل تاکید کرده و روش انتقادی نیز خود ش را محدود به همان عقل میداند. در حالی که عقل مفاهیم را بواسطه حواس می سازد با تجرید و انتزاع ادراکات حسی از واقعیت و تنظیم داده های تجربی است که مفهوم ساخته می شود. هم چنین یافته ها و داشته های ذهن منحصر به ادراک حواس نیست. دیدگاه های فعلی بر ادراکات کنونی اثر میگذارند پس نمیتوان تنها بر یک جنبه از معرفت یعنی تنها عقل و یا تنها تجربه تاکید کرد. بلکه برای پیدا کردن بهترین روش شناسی باید از روش شناسی استفاده کرد که هم در آن به عقل

گزارش‌گر، ادراک‌کننده، کاشف و مشخص‌کننده حسن و قبح احکام است. عقل، تنها در حوزه فردی می‌تواند ولایت و آمریت داشته باشد؛ یعنی در حریم شخصی خویش می‌تواند حکم دهد و به نفس خویش امر کند. (لیتل، ۱۳۷۳)

### ۶-۳- قابلیت‌های شناختی وحی

درست است که حس و عقل از ابزارهای معرفتی مفید در روش‌شناسی قرآن هستند، اما به تنهایی در دایره وسیع معلومات هستی مفید واقع نمی‌شوند. از این‌رو، قرآن در کنار حس و عقل ابزار دیگری به نام «وحی» را به عنوان مکمل آن دو قرار می‌دهد. وحی، از منابع معرفتی ویژه اسلام است که برای شناخت حقایق غیرآشکار و پنهانی در عالم به‌کار می‌رود و از مشاهده حسی بسیار قوی‌تر بوده و حقایق بسیاری از هستی به واسطه آن به دست می‌آید. چنین ابزاری، لازمه هستی‌شناسی معنوی قرآن است؛ چراکه به ابعاد معنوی هستی با حس و مشاهده تجربی نمی‌توان دست یافت. حتی در جهان مادی و دنیوی، حقایقی وجود دارد که حس و مشاهده توان درک آن را ندارند. در واقع، تمامی نظام آفرینش و امکانات موجود در آن، که وحی نیز از آن جمله است، برای آسایش و راحتی انسان تعبیه شده است. وحی به‌منظور هدایت انسان آمده و هر دو قسم آن - چه وحی تکوینی و چه وحی تشریحی - در خدمت هدایت و سعادت انسان قرار دارند. وحی به‌واسطه نقل در خدمت انسان قرار می‌گیرد. مفاهیم معنوی و وحیانی را به عقل انسان عرضه می‌دارد. نقل واسطه بین وحی و عقل بوده و از طریق وحی حقایقی را فراهم می‌آورد که عقل به تنهایی قادر به درک آن نیست. انسان با بهره‌گیری از عقل، به وجود ضرورت‌ها در عالم آگاه می‌شود، اما با اتصال به منبع مقدس وحی الهی امکان کشف ضرورت‌های عمیق‌تر و جدیدتری را به‌دست می‌آورد و با واکاوی عقلی به تبیین دقیق‌تر و عمیق‌تری از عالم دست پیدا می‌کند. منابع شهودی و وحیانی، برای کشف ضرورت‌ها در عالم به ما یاری می‌رسانند و استفاده از منبع وحی در فهم روابط اجتماعی و ساختارهای آن ما را کمک می‌کند. (قنبری، ۱۳۷۷)

اسلام همچنین با تکیه به وحی، رویکرد انتقادی به دانش اجتماعی را حفظ می‌نماید. آنجا که وحی، فهم عرفی را تأیید و یا تکذیب می‌کند، رویکردی انتقادی به جامعه را دنبال می‌کند؛ یعنی وحی با رویکردی انتقادی برخی از چیزهایی را که در عرف رایج است، تأیید و برخی از آنها را تکذیب می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۷۴)

### ۶-۴- قابلیت‌های روش‌شناختی ناشی از تعامل حس،

#### عقل و وحی

علی‌رغم قابلیت‌های بسیاری که ابزارهای معرفتی مورد توجه، در قرآن در اختیار روش‌شناسی بنیادین قرآنی قرار می‌دهند، تعامل

قرآن شناخت افقی و عرضی اشیای طبیعی را از شناخت طولی آن جدا نمی‌داند، بلکه همواره با بیان روابط عرضی اشیاء با هم از رابطه طولی آنها با خالق و مبدأ آفرینش نیز سخن می‌گوید. معرفت حسی قادر به درک روابط طولی در طبیعت نیست و صرفاً رابطه عرضی را به واسطه حس مشاهده می‌کند. هرگز از راه حس نمی‌توان اراده و هدایت جهان توسط وی را مشاهده کرد. تا وقتی که پای استنباط عقلی پیش نیاید، پی بردن به معارف غیرطبیعی ممکن نیست. (مطهری، ۱۳۷۴)

بنابراین، آنجاکه به دنبال روابط عرضی در عالم طبیعت هستیم، حس و مشاهده نقش مؤثری ایفا می‌کند، اما در شناخت روابط طولی در عالم طبیعت حس به تنهایی مفید واقع نمی‌شود.

### ۶-۲- قابلیت‌های روش‌شناختی عقل

از دیدگاه قرآن کریم، جهان به دو بخش شهادت و غیب تقسیم می‌شود. بخش شهادت، فرع و بخش غیب، اصل است؛ یعنی عالم شهادت، متکی بر عالم غیب است. معرفت حسی و عقلی تحت تأثیر این قوانین‌اند. معرفت حسی، که متعلق به عالم شهادت است، بر معرفت عقلی که متعلق به عالم غیب است، متکی می‌باشد. بر مبنای هستی‌شناسی معنوی، جهان هستی بر دو بُعد مادی و معنوی مترتب است. عقل مأمور نقادی، نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و تعمیم فرآورده‌های حسی است. شناخت حسی، شناختی جزئی و فردی است، ولی شناخت عقلی، حقایق عام و کلی را درک می‌کند. شناخت حسی، ظاهری و سطحی است. در حالی که، شناخت عقلی روابط درونی اشیاء را هم درک می‌کند. شناخت عقلی، برخلاف شناخت حسی، که صرفاً به زمان حال تعلق دارد، دایره زمانی وسیعی از گذشته تا آینده را دربر می‌گیرد. شناخت حسی محدود به مکان خاص و شناخت عقلی به مکان‌های دوردست نیز دسترسی دارد. بنابراین، شناخت حسی و شناخت عقلی در کنار هم به شناخت صحیح دست می‌یابند. حس به‌تنهایی در دام روش‌های پوزیتیویستی گرفتار می‌آید. در حالی که، در کنار عقل نه تنها از آسیب‌های پوزیتیویستی ایمن است، بلکه قابلیت‌های بیشتری را نیز در عرصه علم و شناخت علمی پیدا می‌کند. عقل، توانایی دست‌یابی به گزاره‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیری را داراست که ارزش جهان‌شناختی دارند؛ گزاره‌هایی بدیهی که حس و روش‌های حسی هیچ‌گاه به آن دست پیدا نمی‌کنند. روش‌شناسی دینی به دلیل اتکا بر عقل و برخورداری از گزاره‌های ضروری و بدیهی، به دانش حسی و تجربی ارزش جهان‌شناختی و معرفتی می‌بخشد. (رمضانی فرانی، ۱۳۷۹)

منبع هستی‌شناختی دین، تنها اراده و علم ازلی الهی است و همه اصول و فروع آن از ناحیه خداوند تعیین می‌شود. از این‌رو، عقل آدمی فاقد شأن انشاء، تشریح، حکم‌کردن و دست‌ور دادن است و فقط

بین این ابزارها نیز دارای اهمیت است. در واقع، ابزارهای معرفتی حس، عقل و وحی در قرآن، همیشه منفک از یکدیگر نیستند. این ابزارها، علاوه بر قابلیت‌هایی که به‌تنهایی دارا هستند، در تعامل هماهنگی با یکدیگر نیز قابلیت‌های بسیاری را عرضه می‌دارند.

قرآن نوعی تعامل بین ابزارهای معرفتی در نظر گرفته و معرفت انسانی را در یک ابزار منحصر نمی‌گرداند. گستردگی و تنوع منابع معرفتی قرآن، فرصت بروز و ظهور رویکردهای مختلف معرفتی را در این اندیشه اجتماعی فراهم می‌سازد. همان‌گونه که در ذیل هر روش‌شناسی بنیادین، رویکردها و نظریات مختلف علمی بروز می‌یابد. روش‌شناسی بنیادین قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست. روش‌شناسی بنیادین قرآن، در یک رویکرد خلاصه نمی‌شود و اقتضای بروز رویکردهای متنوع علمی را در خود نهفته است. قرآن صرفاً خردنگر یا کلان‌نگر، توصیفی یا تبیینی، ساختارگرا یا کارکردگرا... نیست. علت اصلی این مدعا، هماهنگی و تعامل ابزارهای معرفتی در قرآن است. اگر هر یک از این منابع معرفتی، به‌تنهایی مورد استفاده قرار گیرند، روش‌هایی را ایجاد می‌کنند، که علاوه بر تک‌بعدی بودن، فاقد این نوع قابلیت می‌باشند. حس به‌تنهایی منجر به روش‌های استقرایی و پوزیتیویستی است که ارزش جهان‌شناختی معرفت را زایل می‌گرداند. حس اگر با فهم عرفی مشارکت داشته باشد، منجر به شکل‌گیری نظریه‌ای تاریخی و فرهنگی می‌شود که علاوه بر اینکه فاقد ارزش جهان‌شناختی است، ناچار به انکار حقیقت و صدق واقعیت نیز می‌شود. عقل به‌تنهایی روش‌های قیاسی را شکل می‌دهد و عقل و حس نیز در تعامل با یکدیگر، روش‌های تجربی‌ای را پدید می‌آورند که از بنیان‌های فلسفی استفاده می‌کند. وحی و شهود، به‌تنهایی روش‌های عرفانی تزکیه، سلوک و ریاضت را به‌وجود می‌آورند. اما عقل، حس و وحی که با یکدیگر حجیت داشته باشند روش‌های ویژه‌ای را شکل می‌دهند. (شاپان مهر، ۱۳۷۷)

قرآن برخلاف سایر مکاتب روش‌شناختی، بر یک ابزار معرفتی تأکید نمی‌ورزد. بهره‌گیری از یک ابزار و پذیرش آن در مسیر شناخت اجتماعی در روش‌شناسی قرآنی طرد می‌شود. قرآن جامع تمام ابزارهاست و همه آنها را دارای اعتبار علمی می‌داند. تمامی ابزارهای معرفتی در منظر قرآن از جایگاه ویژه خود برخوردارند و یکی بر دیگری برتری نمی‌یابد. این ابزارهای معرفتی، نه تنها در تعارض با هم نیستند، بلکه همگی در طول یکدیگر قرار دارند. حس از طریق مشاهده، موضوعات گوناگون را در منظر و نگاه عقل قرار می‌دهد. عقل از یک سو، با استفاده از مبانی نظری خود داده‌های حسی را به‌صورت گزاره‌های علمی درمی‌آورد و از سوی دیگر، علاوه بر آگاهی به حضور معرفت حسی، به وجود معرفت شهودی و وحیانی هم آگاه می‌شود و بر ساحت‌هایی که به‌واسطه وحی و شهود برای انسان منکشف شده است، استدلال می‌کند. وحی نیز به همین گونه، با عقل همراهی می‌کند و در عرصه‌هایی که عقل به‌تنهایی توان

دریافت حقایق را ندارد، آن حقایق را به افق مفاهیم تنزل داده و در دسترس عقل قرار می‌دهد. (امین پور، همان، ص ۶۵-۶۶)

بنابراین اسلام به استفاده از همه ابزار یعنی عقل و تجربه و وحی را در کنار هم بهترین روش می‌داند.

## ۷- نتیجه‌گیری

علوم اجتماعی از معرفت‌شناسی خاص خود در ارائه دیدگاه‌هایشان بهره گرفته‌اند و هر یک دیدگاه خود را علمی می‌داند و در مقابل سایر دیدگاه‌ها را نفی می‌کند و آن را علمی نمی‌داند.

برای رفع این تناقض‌ها و اختلاف نظر‌ها در مورد روش‌شناسی‌های موجود در علوم اجتماعی، ما در جستجوی یک روش‌شناسی نو، جامع و مکمل سایر روش‌شناسی‌ها بودیم که به دیدگاه اسلام و قرآن رسیدیم. دین اسلام نه تنها در تضاد با روش‌شناسی‌های موجود نیست بلکه کامل‌کننده آنهاست و حتی اشتراکاتی هم با این دیدگاه‌ها دارد. این دین توسط قرآن، برنامه زندگی انسان، بیان می‌کند که هر کدام از روش‌شناسی‌های عقل و تجربه در جای خود با ارزش هستند اما نباید به هر کدام از آنها به‌تنهایی اکتفا کرد، بلکه عقل به اندازه خود و تجربه به اندازه خود ما را در این عرصه هدایت می‌کند. در واقع عقل با بررسی تجارب و شواهد به بهترین روش دست می‌یابد. قرآن معرفت‌شناسی هماهنگ و جامعی از ابزارهای مختلف را نیز به همراه دارد. قرآن به حس، عقل و وحی در مسیر کسب معرفت انسان اشاره می‌کند و هر سه را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. هماهنگی بین حس، عقل و وحی از خصوصیات معرفت‌شناختی قرآن است که آن را از سایر معرفت‌شناسی‌ها متمایز می‌گرداند. در اندیشه اجتماعی قرآن، ابزارهای معرفتی حس، عقل و وحی در کنار یکدیگر و با همراهی هم در مسیر شناخت اجتماعی به‌کار می‌روند. این در حالی است که، در علم اجتماعی مدرن رویکردهای مختلف روش‌شناختی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و هر کدام به مرجعیت یکی از ابزارهای حس و یا عقل در فرایند معرفت اجتماعی اعتقاد دارند. اسلام جامع و کامل همه ابزارهاست و نه تنها همه آنها را قبول ندارد بلکه جملگی آنها را در طول یکدیگر استفاده می‌کند و شناخت را صرفاً در یک ابزار محصور نمی‌گرداند. اسلام به دنبال یک معرفت هماهنگ در عالم است. به دنبال نوعی هماهنگی در معرفت حسی، عقلی، شهودی و وحیانی. در اسلام میان ابزارها و روش‌های شناخت یعنی عقل، قلب و حس هماهنگی کامل وجود دارد.

ماباید با بررسی کامل تر قرآن و با تفاسیر مربوط به آن به نمودهای واقعی روش‌شناسی‌های اجتماعی بپردازیم و با شناسایی و کاربرد آنها راه سعادت و کمال را بی‌یابیم.

## مراجع

- [۱] رضاقلی، محمود، معرفت شناسی و معرفت علم، دفتر اول از مجموعه پژوهشی فلسفه تطبیقی، ۱۳۹۳
- [۲] لیتل، دنیل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳
- [۳] طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴
- [۴] شایان مهر، علیرضا، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۷. سایر، آندرو، روش در علوم اجتماعی، ترجمه عماد افروغ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
- [۵] مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۷۴، ج ۲
- [۶] امین پور، فاطمه، نقش قرآن در روش شناسی قرآن، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۴، از صفحه ۴۵ تا ۷۰. پاییز و زمستان ۱۳۸۹
- [۷] جلال آبادی، رواری، عباس، روش شناسی ماکس وبر: بررسی انتقادی مبانی، علوم اجتماعی :: معرفت فرهنگی اجتماعی :: بهار ۱۳۹۲، سال چهارم - شماره ۱۴ علمی - پژوهشی از ۹۷ تا ۱۲۲
- [۸] عبداللوی، محمد؛ اسفندیاری، اسماعیل، روش شناسی علوم اجتماعی اسلامی «شاخص های معرفت شناختی و پاسخ های جایگزین»، علوم اجتماعی :: روش شناسی علوم انسانی :: تابستان ۱۳۸۲ - شماره ۳۵ از ۱۳۵ تا ۱۶۴
- [۹] قنبری، آیت، «هرمنوتیک و انواع آن»، علوم سیاسی، ش ۲، پاییز ۱۳۷۷، ص ۲۰۷-۱۸۴.
- [۱۰] عیوضی، محمد رحیم؛ محمدی، احسانه، روش شناسی و کاربرد آن در نظریه پردازی علوم اجتماعی، علوم سیاسی :: مطالعات دفاعی استراتژیک :: زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۴۶ علمی - پژوهشی از ۱۶۷ تا ۱۹۰
- [۱۱] رمضانی فرانی، محمدعلی، «بازسازی علوم انسانی از طریق بازسازی مبانی نظری آن»، مصباح، ش ۳۵، مهر ۱۳۷۹، ص ۱۴-۵
- [۱۲] ترابی، احمد، پرسشها و پژوهشهای بایسته قرآنی در زمینه جامعه شناسی، علوم قرآن و حدیث :: پژوهش های قرآنی :: پاییز و زمستان ۱۳۷۶ - شماره ۱۱ و ۱۲ از ۱۱۰ تا ۱۱۳